

تحت سلطنت شیطان یا به زندگی جدید در مسیح اداره شده است؟

رومیان ۶، ۳-۱۱

3 آیا نمی‌دانید همه ما که در مسیح عیسی تعمید یافتیم، در مرگ او تعمید یافتیم؟ 4 پس با تعمید یافتن در مرگ، با او دفن شدیم تا همان‌گونه که مسیح به وسیله جلال پدر، از مردگان برخیزانیده شد، ما نیز در زندگی نوینی گام برداریم.

5 پس اگر در مرگی همچون مرگ او، با وی یگانه شده‌ایم، بهیقین در رستاخیزی همچون رستاخیز او نیز با او یگانه خواهیم بود. 6 زیرا می‌دانیم آن انسان قدیم که ما بودیم، با او بر صلیب شد تا پیکر گناه درگذرد نیز می‌باشد. و دیگر گناه را بندگی نکنیم. 7 چون آن که مرده است، از گناه آزاد شده است. حال اگر با مسیح مرده‌ایم، ایمان داریم که با او زندگی نیز خواهیم کرد. 9 زیرا می‌دانیم چون مسیح از مردگان برخیزانیده شده است، دیگر هرگز نخواهد مرد و مرگ دیگر بر او تسلطی ندارد. 10 او با مرگ خود، یک بار برای همیشه نسبت به گناه مُرد و در حیات کنونی خود برای خدا زندگی می‌کند. 11 به همین‌سان، شما نیز خود را نسبت به گناه مرده انگارید، اما در مسیح عیسی نسبت به خدا، زنده.



یک موشک دیگر در شهر اوکراین انفجار شد. باز هم اعضای خانواده در مقابل یک فرد بی جان ایستاده اند و گری می‌کنند. این روزها آن رویداد اغلب در اوکراین تکرار شده است. اما نه تنها آنجا. در افغانستان، یمن و سایر کشور جهان نیز. جایی که خون جاری می‌شود، همیشه به معنی این است که مجرم وجود دارد که اکنون باید جبران کند. هر جا خون جاری می‌شود، صدای انتقام به جلو می‌آید! مجرم نیز باید آنچه را که من در حال حاضر تجربه می‌کنم تجربه کند. اقوام یا اعضای خانواده مان انتقام را می‌خواهند. و بنابراین چرخه نفرت همیشه یکسان است. خونی که ریخته شده، خون بیشتری می‌خواهد! مرگ بیشتر! رنج بیشتر! تنها از همین جا متوجه می‌شویم که شر چیزی بیشتر از مجموع شر در کل جهان است. جنگ به تنها ی وحشتناک نیست چیز دیگری پشت آن نهفته است. پشت سرش شیطان است که می‌خواهد ما را با تمام قدرتش از خدا جدا کند. شیطان که می‌خواهد با تمام وجودش ما را به زنجیر مرگ ببندد. که با تمام وجودش می‌خواهد که چرخه نفرت و خونریزی تا پایان تریخ ادامه یابد. پولس در نامه به رومیان از همین موضوع صحبت می‌کند. او درک می‌کرد که قدرت نامرئی پشت همه ی آنها نافته شده است. می‌توان آنها را در گناه، شیطان و مرگ ابدی تشخیص کرد. پولس از سرچشمه آن قدرت ها آگاه شده بود. و همین موضوع را در نامه به رومیان خلاصه می‌کرد. گناه که همه جا هست و همه نفوذ می‌کند. پولس در رومیان 3 خلاصه می‌کند که همه مردم بدون استثنا تحت تأثیر این گناه هستند و بنابراین همه بدون استثنا مستحق مرگ هستند. بنابراین مرگ و گناه بخشی از ویژگی های طبیعی انسان ها هستند. مهم است که ما این را درک کنیم زیرا ذهن عادی انسان بسیار فرق دارد. یک فرد عادی فکر می‌کند که می‌تواند خود را بازخرد و بهبود بخشد. مردم عادی قدرت گناه و شیطان را نمی‌شناسند و فکر می‌کنند با تلاش خود می‌توان بر آنها غلبه کرد. پس بیشتر انسان ها فکر می‌کنند که با تأمل به خودشان، می‌توان بر گناه غلبه کرد. خدس می‌زنند که می‌توان تصمیماتی بگیرد که کل زندگی را تغییر دهد. تنها کاری که باید انجام دهیم این است که ضد شر تلاش می‌کنیم و برای خیر کار می‌کنیم. مانند زمانی که شخصی تصمیم می‌گیرد کمتر گوشت بخورد یا رژیم بگیرد. پولس با خط قرمزی همین فکر را پاک کرد. و یک بار برای همیشه می‌گوید: «نه! ما انسان ها نمی‌توانیم بر مرگ غلبه کنیم، نه با تفکر بهتری و نه از طریق اصلاحاتی دیگر! زیرا مرگ و گناه قدرتی فراتر از توانایی ما هستند. یکی دیگر باید وارد کند! خدا باید دخالت کند! و سپس پولس تأیید می‌کند که خدا همین کار را از طریق عیسی انجام داده است. مهمترین چیز در مورد عیسی مسیح این است که او مرد. مهمترین چیز در مورد عیسی مسیح این است که او برای ما و برای گناه ما مرد. هر چیز دیگری که کتاب مقدس می‌گوید در همین جمله به نقطه عطف می‌رسد: عیسی برای ما و برای گناهان ما مرد! وقتی عیسی مسیح بر روی صلیب مرد، دقیقاً برعکس گناه اتفاق افتاد زیرا گناه همیشه بیشتر گناه ی به همراه دارد، از طریق مرگ عیسی قدرت خدا بر تمام شرارت های جهان پیروز کرد. گناه در مرگ عیسی فرو رفت. همینطور نفرت و انتقام پاک شده بودند. همانطور که خون در بسیاری مکان جهان برای خون بیشتر فریاد می‌زند، خون عیسی در کوه کالواری آهنگ متفاوتی می‌خواند: بخشش می‌خواهد! آشتی برای انسان می‌خواهد! ارتباط بین انسان و خدا می‌خواهد. و خون عیسی نیز باعث آشتی بین ما انسانها می‌شود. همه اینها در عیسی مسیح و مرگ او به نقطه عطف می‌رسد. و

پولس بیان می کرد که وقتی ما مسیحیان تعمید می گیریم، با این عیسی متحد می شویم. این بدان معناست که گناه ما در مرگ او فرو خواهد رفت. مرگ ما نیز در مرگ او فرو می رود. و بنابراین ما دقیقاً مانند عیسی هستیم. ما برای گناه مردیم و زندگی تازه ای به ما داده شده است. پولس به طور گسترده می نویسد که همه اینها تنها از طریق عیسی و مرگ او امکان پذیر است. راه دیگری وجود ندارد. برای برخی از افرادی که در آن زمان زندگی می کردند، اصول پولس بیش از حد آسان بود. اصول جدیدی نوشتند. و در این تعلیم گفته شد که عیسی و مرگ او برای نجات ما کافی نبودند. به همین دلیل است که چنین افرادی قوانینی را نوشتند که در آن زمان مردم باید انجام می دادند تا واقعاً مطمئن شوند که نجات یافته اند. برخی قوانین از یهودی گرفته شده اند. دیگران معتقدند که یک مسیحی باید نجات خود را با کارهای نیک دیگر ثابت کند. پولس کار شیطان را در این تعلیم تشخیص داد. و خلاصه کرد: یا ما به طوری کلی عیسی مسیح را در یافت می کردیم یا اصلاً مسیح نداریم. ما نمی توانیم نیمه غسل تعمید شویم. و ما هم نمی توانیم نیمه جان بمیریم. هر که در مسیح تعمید یابد، به طور کامل در مسیح مرده است و از همان مسیح زندگی کامل خواهد یافت. اکنون برخی از مخالفان این سؤال را مطرح کردند: "اگر تمام گناهان ما را فقط عیسی بردوش گرفت و ما مجبور نباشیم کاری بیشتری انجام دهیم. و اگر همه چیز فقط به این عیسی و مرگ او بستگی دارد، خوب است که ما مسیحیان به سادگی بیشتر گناه کنیم. زیرا کار مسیح این است که ما را ببخشد. و کار ما گناه کردن است." چنین افرادی پولس را مسخره می کردند و حتی گفتند: «پس خوب است که مسیحی بیشتر و بیشتر گناه کند تا مسیح بیشتر و بیشتر ببخشد.» پولس دقیقاً علیه آن اصول بود و می نویسد: هر که در مسیح تعمید یابد در مسیح مرده است. این بدان معنی است که او نیز برای گناه مرده است و اکنون می تواند زندگی جدیدی در مسیح داشته باشد. مرد قدیمی که برای انتقام، نفرت و خونریزی فریاد می زند با مسیح مصلوب می شود. او دیگر وجود ندارد او درگذشت. زنجیرهایی که ما را به گناه می بندند با عیسی و مرگ او گسسته شده اند! این بدان معنا نیست که گناه، مرگ و شیطان دیگر وجود ندارند. همه آنها هنوز هستند. و ما می توانیم آنها را در زندگی خود احساس کنیم. ما نیز دائماً توسط این سه دشمن تهدید می شویم: گناه، شیطان و مرگ. زمینی که ما در آن زندگی می کنیم در واقع میدان جنگی است که در آن شیطان به هر وسیله ای که لازم باشد با خدا می جنگد. حتی امروز. وقتی دنیا و زندگی ما در بحبوحه چنین کشمکش است، این سوال مهمتر از همه است که من متعلق به چه کسی هستم؟ من در کنار کی هستم؟ طرف شیطان یا طرف خدا؟ شیطان و گناه نیروهای قدرتمندی هستند. ما نمی توانیم تنها با تصمیم گیری برای بهتر شدن بر آنها غلبه کنیم. بلکه حتی اگر اندکی پیشرفت کنیم، خود انتخاب ها در دام شیطان گرفتار شده و از این پس فرزانه شیطان هستیم نه خدا. و به همین دلیل است که پولس باید بارها و بارها تأکید کند: فقط در مسیح پیروزی داریم! فقط در مسیح گناه، مرگ و شیطان دیگر چیزی برای گفتن ندارند. و همه اینها در غسل تعمید مهر و موم شده است. آیا هنوز غسل تعمید خود را به یاد دارید؟ مهمترین کلمات در غسل تعمید عبارت اند از: "...به نام پدر، پسر و روح القدس!" عامل تعیین کننده در غسل تعمید، آب نیست، حتی کلماتی که گفتید نیستند. آهنگ هایی که خوانده شد هم همینطور. هیچ چیز دیگری جز ... آن کلامت که در آن تعمید یافتید. ... به نام پدر، پسر و روح القدس شما به خدا تعمید یافته اید! و به همین دلیل است که شما اکنون متعلق به او هستید و به هیچ کس دیگری! آمین